

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی غسل الجنابة

موضوع جزئی: موجبات جنابت - خروج منی

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۱۰ آذر ۱۳۹۹

مصادف با: ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۴۲

جلسه: ۳۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در موجبات غسل جنابت بود. عرض شد که یکی از چیزهایی که موجب وجوب غسل جنابت می شود، خروج منی است و فرقی نمی کند که مقدار آن کم باشد یا زیاد باشد، از طریق وطی خارج شود یا از طریق غیر وطی خارج شود، با شهوت خارج شود یا بدون شهوت خارج شود که در جلسات قبل، توضیح آن گذشت.

مرحوم شیخ طوسی (ره) بعد از اینکه روایت صحیح علی بن جعفر را نقل کرده است [عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الرَّجُلِ يَلْعَبُ مَعَ الْمَرْأَةِ وَيَقْبِلُهَا فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَنِيُّ فَمَا عَلَيْهِ؟ قَالَ: «إِذَا جَاءَتِ الشَّهْوَةُ وَدَفَعَ وَفَتَرَ لَخُرُوجِهِ فَعَلَيْهِ الْغُسْلُ وَإِنْ كَانَ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ لَمْ يَجِدْ لَهُ فِتْرَةً وَلَا شَهْوَةً فَلَا بَأْسَ»^۱]، فرموده است که این روایت به موردی مربوط است که امر بر انسان مشتبّه شود و او معتقد باشد که منی از او خارج شده است، هرچند که در حقیقت منی که خروج آن باید از روی شهوت باشد، نباشد، پس اگر این حالت در او یافت شد [، یعنی با شهوت خارج شد]، غسل واجب است، ولی اگر حالت شهوت یافت نشود، معلوم می شود که منی نیست و غسل واجب نیست^۲.

بعضی گفته اند که تصریح به اینکه آنچه از شخص خارج شده است، منی است، بنا بر ظن سائل است، یعنی سؤال کننده گمان کرده است که آنچه از او شخص خارج شده است، منی است، در نتیجه جواب آن به تفصیل از ناحیه امام (ع) ذکر شده است تا ظن و گمان سائل را از بین ببرد و خلاصه اینکه مراد از منی در روایت صحیح مذکور، همان رطوبت مشتبّه است که سائل به گمان خودش آن را منی دانسته است، پس روایت مذکور ناظر به این نکته است که اگر منی از روی شهوت خارج شده است، این خروج، قرینه بر منی بودن آن است وگرنه منی نیست و معنای این سخن این نیست که اگر به منی بودن آنچه خارج شده است، علم باشد، گفته شود که غسل واجب نیست، مگر اینکه از روی شهوت خارج شده باشد. در نتیجه، خروج از روی شهوت می تواند قرینه بر منی بودن باشد، اما اگر از راه دیگری به منی بودن آنچه از شخص خارج شود، علم پیدا شود، غسل واجب می شود، هرچند که از روی شهوت خارج نشده باشد.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرمایش مرحوم شیخ طوسی (ره) را قبول ندارد و فرموده است که حمل کلمه منی که ظهور در یک معنای خاصی دارد بر رطوبت مشتبّه صحیح نیست، زیرا حمل لفظ بر معنای خلاف ظاهر به دلیل نیاز دارد و دلیلی بر این حمل وجود ندارد لذا چاره ای نیست که لفظ منی بر همان معنای ظاهری خودش که در آن ظهور دارد حمل شود و به ظن سائل ربطی

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۸، ص ۱۹۴، ح ۱.

۲. شیخ طوسی، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۱، ص ۱۰۵.

ندارد. پس لفظ مَنی در همان معنای خودش به کار رفته است و در بَلل مشتبه به کار نرفته است، بنابراین، مقتضای قاعده، التزام به معنای ظاهری لفظ مَنی است و مطلقاتی که در این رابطه وارد شده‌اند با روایت صحیحہ علی بن جعفر تخصیص می‌خورند، در نتیجه گفته می‌شود که مَنی در صورتی موجب غسل می‌شود که همراه با شهوت خارج شود، اما اگر با شهوت خارج نشود غسل واجب نمی‌شود.

اما آنچه که می‌تواند مشکل را حل کند این است که گفته شود که در روایت مذکور، بنا بر نقل صاحب وسائل (ره) از کتاب علی بن جعفر [کتاب مسائل علی بن جعفر]، کلمه شیء بدل از مَنی آمده است و اصلاً کلمه مَنی در این روایت نیامده است و در نتیجه تفسیر کلمه شیء که در این روایت صحیحہ آمده است، به بلل (رطوبت) مشتبه مشکلی ندارد لذا می‌توان گفت که این روایت در رابطه با رطوبت مشتبه وارد شده است و در رابطه با مَنی وارد نشده است. پس مقتضای اطلاقات این است که غسل با خروج مَنی واجب می‌شود، چه از روی شهوت خارج شود و چه بدون شهوت خارج شود.^۱

مباحثی که تا کنون مطرح شد در رابطه با مردان بود که گفته شد که از اطلاقات روایات استفاده می‌شود که ملاک برای وجوب غسل بر مردان، خروج مَنی است و فرقی نمی‌کند که آن خروج با شهوت یا بدون شهوت باشد.

اما در رابطه با زنان، در بعضی از روایات، وجوب غسل بر زنان به وسیله انزال و امناء، به فرضی مقید شده است که خروج مَنی همراه با شهوت باشد که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: صحیحہ اسماعیل بن سعد اشعری: عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ؛ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَلْمِسُ فَرْجَ جَارِيَتِهِ حَتَّى تُنْزَلَ الْمَاءُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُبَاشِرَ يَعْثُبُ بِهَا بِيَدِهِ حَتَّى تُنْزَلَ، قَالَ: «إِذَا أَنْزَلْتَ مِنْ شَهْوَةٍ فَعَلَيْهَا الْغُسْلُ».^۲

روایت دوم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الْمَرْأَةِ تُعَانِقُ زَوْجَهَا مِنْ خَلْفِهِ فَتُحَرِّكُ عَلَى ظَهْرِهَا فَتَأْتِيهَا الشَّهْوَةُ فَتَنْزِلُ الْمَاءَ عَلَيْهَا الْغُسْلُ أَوْ لَا يَجِبُ عَلَيْهَا الْغُسْلُ، قَالَ: «إِذَا جَاءَتْهَا الشَّهْوَةُ فَانْزَلْتَ الْمَاءَ وَجَبَ عَلَيْهَا الْغُسْلُ».^۳

روایت سوم: عَنْ مُعَاوِيَةَ؛ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «إِذَا أُمْنَتِ الْمَرْأَةُ وَالْأَمَةُ مِنْ شَهْوَةٍ جَامَعَهَا الرَّجُلُ أَوْ لَمْ يُجَامِعْهَا فِي نَوْمٍ كَانَ ذَلِكَ أَوْ فِي يَقْظَةٍ فَإِنَّ عَلَيْهَا الْغُسْلَ».^۴

روایت چهارم: عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي طَلْحَةَ؛ أَنَّهُ سَأَلَ عَبْدًا صَالِحًا (ع) عَنْ رَجُلٍ مَسَّ فَرْجَ امْرَأَتِهِ أَوْ جَارِيَتِهِ يَعْثُبُ بِهَا حَتَّى أَنْزَلَتْ عَلَيْهَا غُسْلًا أَمْ لَا؟ قَالَ: «أَلَيْسَ قَدْ أَنْزَلْتَ مِنْ شَهْوَةٍ؟» قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: «عَلَيْهَا غُسْلٌ».^۵

گفته‌اند که از روایات مذکور، استفاده می‌شود که غسل جنابت در صورتی بر زن واجب می‌شود که مَنی، با شهوت از او خارج شود، بنابراین، اگر مَنی، بدون شهوت از زن خارج شود، غسل بر او واجب نمی‌شود.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. سید ابوالقاسم، موسوی خوئی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۶، ص ۲۴۶.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۷، ص ۱۸۶، ح ۲.

۳. همان، ص ۱۸۷، ح ۴.

۴. همان، ص ۱۸۹، ح ۱۴.

۵. همان، ص ۱۹۰، ح ۱۵.